

یادداشت

به خاطر حق آشنایی و دوستی وادای احترام باید در رثای جناب مرحوم هاتف یادداشتی را تهیه می‌کردم اما بهتر دانستم تا یادداشت سال پار را که بمناسبت هشتادوپنجمین سالگی شان تهیه گردیده به هموطنان گرامی تقدیم و روح آن شخصیت بزرگ ملی افغانستان را که در دیار غربت رخ درنقاب خاک کشید شاد بخوایم. با احترام

م. ع. و. سادات



میر عبدالواحد سادات

خادم صادق وطن را گرامی میداریم!

چی دستار تری هزار دي
د دستار سري په شمار دي

تجلیل و تبجیل از شخصیت های بزرگ ملی بخصوص در احوال پر آشفته ای کنونی که تبرها از هر طرف بر هست و بود معنوی جامعه ما زده می شود، دارای اهمیت خاص میباشد.

افغانستان چنان آماج بنیادگرایی منبعث از دیوبند و قم و اراعابون عرب قرار که صاف و ساده هر آنچه و هر آنکس را که به ترقی و تنور تعلق می‌گردد، تکفیر نمایند و تاریخ منورانه و ملی بیشتر از یکقرن، از شمس النهار تا کنون را مردود اعلام نمایند و گویا همان ملای لنگ و خلف الصدق آن همین ملای کوراست و باقی هر چه بوده و هست، لاتی، ملحد و کمونیست... و بدینترتیب پاسداران علم، نور و ترقی را یکسره خطاکار معرفی نمایند و طبعاً نتیجه گیری شان این خواهد بود:

اینکشور باید در اختیار بنیادگرایان جهادی و طالبی قرار داشته و استعداد گزار به شاهراه ترقی را ندارد و لاجرم باید پاکستان و ایران بحیث قیم آن قرار گیرد و البته کم نیستند روشنفکر نمایان کاذب که آب به آسیاب آنان می‌ریزند.

اما آفتاب با دو انگشت پنهان نمیگردد ، آنچه اظهرومن الشمس است که در نبرد تاریخی علم و جهل در طول تاریخ و بخصوص از شمس النهار تا کنون ، مردم افغانستان بهترین نماینده گان شانرا در جنبشهای مشروطیت اول ، دوم ، سوم و وینس خلمیان و جنبشهای دیموکراتیک بعدی داشته اند ، که باید بمتابه پدران معنوی منوران شناخته شوند و بجامعه و بخصوص به نسل جوان معرفی شوند ، تا جوانان اتکاً معنوی نیرومند خود را داشته باشند .

خوشبختانه تعداد ازین شخصیت های ملی در قید حیات میباشند و جای مسرت است که به ابتکارسایت وزین ژواک ، یکی ازین بزرگان را گرامی میداریم و از شخصیت شان تجلیل و تبجیل مینمایم .

دلایل فراوان برای ارجگزاری به جناب هاتف وجود دارد و شخصیت شان دارای ابعاد مختلف میباشد ، بسیار مفید خواهد بود تا طرازانامه مفصل زنده گی شان آماده گردد و مورد نقد و بررسی قرار گیرد .

البته درین مختصر روی موارد آتی به ایجاز مکث مینمایم :

_ جناب هاتف یک شخصیت ملی فرا قومی و فرا زبانی است و طبعاً یک نماد خوب از وحدت و وفاق ملی پنداشته میشود .

_ جناب هاتف رشته بریشه جنبشهای منورانه و ملی افغانستان دارد و با عده بی از بزرگان مشروطیت اول و دوم حشر و نشر داشته و با جنبش مشروطیت سوم و وینس خلمیان همنا و همگام بوده ، ودر جنبشهای دیموکراتیک بعدی فعالانه سهم گرفته است .

_ جناب هاتف مرد اندیشه های ملی و منورانه است که طی ثلث قرن چرخ روزگار و تند باد حوادث نتوانسته آنرا خدشه دار بسازد . کهن مرد در حالیکه به هشتادوششمین بهار زنده گی پر بار خویش گام میگذارد ، کماکان استوار و متین مدافع صادق تنور و ترقی است و از حق مردم افغانستان بخاطر گزار بشاهراه ترقی و تمدن دفاع مینماید :

لکه ونه مستقیم پخپل مکان یم

که خزان راباندې راشی که بهار

- جناب هاتف از پاسداران دولت ملی به مفهوم همجانبه آن است ، دولت ملی که بحران مشروعیت را مهارو به پروسه ملت سازی بانجامد و در عین حال مدافع پیگیر حاکمیت قانون و گزار به دیموکراسی واقعی می باشد .

در دوره (۱۲) پارلمان از ارزشهای دیموکراتیک در قانون اساسی و تحقق آن در حیات اجتماعی و سیاسی دفاع کرده و در دوره های بعدی ریاست کمیته کار تسوید قانون اساسی را عهده دارو هنگام تصدی مقامات عالی در محدوده امکانات بخاطر تحقق مامول فوق تلاش کرده است .

- جناب هاتف مبارز استوار ، آشتی و وفاق ملی است . آوانیکه افغانستان به نطع جنگ سرد مبدل گردیده بود و جنگ اعلام نا شده با تمام ابعاد آن تداوم داشت ، ایشان با درک واقعبینانه متوجه این حقیقت گردید که در نبود وسقوط دولت وقت خلای سترا تیزیک بنفع عمق ستراتیژیک پاکستان بوجود میآید و افغانستان و منطقه به آشوب غیر قابل کنترل کشانیده خواهد شد ، بدینرو بی جهت نبود همانند بسیاری از وطندوستان و شخصیت های محترم دیگر همانند (مرحوم نعمت اله پژواک ، مرحوم خالقیار ، مرحوم داکتر محمود حبیبی ،

مرحوم پوهنوال ارغندیوال ، محترم اکادمیسن داکتر سرابی و...) مسوولیت های بزرگ را عهده دار گردیدند .

(البته در آن سالها یکتعداد لارنس های روسی همانند آقای حسن شرق نیز در داخل دولت و حزب تعبیه شده بودند که بحث جداگانه بوده و باید به آن پرداخته شود)

جناب هاتف در راس کمیسیون مصالحه ملی تلاش گسترده را انجام داد تا نیرو های میانه درمیان دو قطب متحارب جنگ را تقویه و کمک نماید تا جای ایکه عده یی از آنان توانستند حزب رستگاری ملی متمایل به شاه سابق را تحت ریاست مرحوم پوهاند اصغر ایجاد نمایند .

- جناب هاتف بحیث مستقل که عضویت هیچ حزب سیاسی را نداشت ، همیشه مدافع پیگیر روشنفکران ومنجمله بر ضرورت رفع بی اتفاقی و انشقاق در حزب د خ ا (حزب وطن) تأکید و عملاً بمنابله یک موی سپید بزرگوار نقش میانجی را ایفا میکرد و اگر در مواقع حساس و بخصوص درماه ثور (۱۳۶۵) که قرار بود تغییر در رهبری حزب بوجود بیاید ، اگر آقای تابیوف سفیر وقت اتحادشوروی به پیشنهادات سازنده ایشان در مورد چگونگی تحقق تغییر ، گوش فرامیداد ، هیچگاهی بحران داخل حزبی توسعه نمی یافت ، اما واضع است که شوروی ها مشغله های دیگر داشتند و آگاهانه جناح بازی وچند دسته گی را ایجاد و دامن میزدند که ما عواقب هولناک آنرا شاهد بودیم .

- جناب هاتف یک شخصیت فرهنگی است ، ایشان که فارغ فاکولته ادبیات میباشد به ادبیات دری و پشتو و آثار کلاسیک ادبی آشنائی وسیع داشته و اشعار قدماً را در حافظه نیرومند خود حفظ دارد ، نثر سلیس و خاص خود را در هر دو لسان ملی دارد و به لسانهای اردو ، عربی وانگلیسی مسلط میباشد .

هاتف صاحب به بخش های مختلف علوم اجتماعی تسلط تحسین برانگیز دارد و اندیشمند با دانش وسیع است .

جناب هاتف یک انسان والا و واقعاً محترم است . دالامبر گفته است :

« محترم بودن نتیجه تک عمر لیاقت اندوختن است »

این گفته در مورد ایشان مصداق دارد زیرا یک انسان والا و یک افغان متواضع ، حلیم و بردبار و و پاسدار آشنائی ها و دوستی ها است و در مجموع بسیاری از صفات عالی انسانی و افغانی در شخصیت شان بازتاب دارد .

هاتف صاحب در زنده گی شخصی بسیار ساده و صمیمی و اهل شوخی و مطایبه است و با ذهن همیشه حاضر قصه های دلچسپ و آموزنده را بیان میکند .

در اخیر با اغتنام ازین فرصت قدم گزاردن شانرا به هشتادوششمین بهار زنده گی پر بار شان تهنیت گفته وصحت و عافیت برایشان آرزو میبرم . و منحیث حسن ختام این بیت حضرت سنایی را میآورم که :

هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد

درد باید ، عمر سوز و مرد باید گام زد

ختم